

جمهوری اسلامی ایران در پنج گفتمان

دکتر محمد جواد نوروزی^۱

چکیده

هدف ما در این نوشتار، تحلیلی بر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. به این منظور، این رخدادها در پنج دوره متمایز؛ تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، دوره دفاع مقدس، دوره سازندگی، دوره توسعه سیاسی و احیای عدالت و ارزش های اسلامی طبقه بندی شده است. در دهه نخست، تحولات مهم ایران را به اجمال بررسی کرده ایم، در دوره اصلاحات و توسعه اقتصادی، در نقد و ارزیابی تحولات کوشیدیم و در پایان، نتایج بحث بیان شده است.

واژه های کلیدی

دفاع مقدس، تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، گفتمان توسعه سیاسی، گفتمان عدالت.

مقدمه

با پیروزی انقلاب در ایران، تحول گسترده ای در سطوح گوناگون جامعه رخ داد که با پیش از آن تفاوتی آشکار داشت. در طول حیات جمهوری اسلامی نیز جامعه مراحل را پشت سر گذاشت که افزون بر داشتن اشتراک های فراوان، هر کدام ویژگی های خاص خود را داشت. با مرور فرایند این تحولات می توان آن را به دو دوره عصر امام خمینی (ره) و عصر مقام معظم رهبری تقسیم و در خلال آن، به پنج دوره نسبتا متمایز اشاره کرد. دوره اول، دوره تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران؛ دوره دوم، دفاع مقدس در برابر دشمن متجاوز؛ دوره سوم، دوران سازندگی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶؛ دوره چهارم، دوران توسعه سیاسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۴ و دوره پنجم، دوران احیای عدالت و ارزش های انقلاب.

۱. عصر امام خمینی (ره)

در این دوره تحولات پس از انقلاب بررسی شود و بتوجه به محوریت رهبری امام خمینی (ره) در مقام ولی فقیه، برهه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ را در بر می گیرد. در این برهه ما شاهد تثبیت موقعیت انقلاب سلامی در قالب جمهوری اسلامی و گذر همراه با موفقیت، از تحمیل جنگ هشت ساله هستیم. از این رو، می توان به دو گفتمان تثبیت و دفاع مقدس اشاره کرد.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۵ پذیرش نهایی: ۸۸/۱/۲۰

الف) دوره تثبیت

۲۲ بهمن، فقط روز پایانی رژیم سیاسی و آغازی بر حیات رژیم دیگر نبود، بلکه نقطه عطفی در روند مبارزات ملت ایران به شمار می‌رفت. تحلیل‌گران سیاسی، پیروزی انقلاب را حتی تا روزهای واپسین عمر رژیم شاه ناممکن می‌دانستند.^۲ با پیروزی انقلاب ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، دشمنی با نظام نوپای اسلامی، در پهنه‌ای گسترده آغاز شد. این دشمنی‌ها را امریکا رهبری می‌کرد و دولت‌های اروپایی به همراه رژیم‌های عرب وابسته به غرب، در آن مشارکت فعال داشتند. شوروی سابق و هم‌پیمانان آن نیز ناخرسند از حاکمیت دین در ایران، با امریکایی‌ها همسو شدند. نمونه برجسته این همکاری را می‌توان در تجهیز صدام در جنگ با جمهوری اسلامی دید. با وجود این، امام خمینی با همان منطقی که نهضت اسلامی را آغاز کرده بود، در اوج فتنه‌ها و فشارهای خارجی، انقلاب را مدیریت و آن را با اراده خویش به سوی سازندگی و ثبات هدایت کرد.

پیش از انقلاب، اگر چه برخی به ویژه کمونیست‌ها و برخی طرفداران غرب، در چگونگی وضعیت نظام آینده، اهدافی غیر از اهداف امام را مطرح می‌کردند، اما در گرماگرم مبارزه علیه شاه و با تدبیر امام و دیگر سران انقلاب، مجالی برای تجلی این اختلاف‌ها و بروز تفرقه در صفوف انقلاب پیش نیامد. با این حال، پس از فرار شاه در ۲۶ دی سال ۱۳۵۷، به تدریج، این اختلاف‌ها خود را نشان داد. پس از پیروزی انقلاب، ده‌ها گروه با ایدئولوژی متفاوت شکل گرفت. (کدی، ۱۳۸۳: ۱۸) امام و شورای انقلاب، با تشکیل کمیته و دیگر ارگان‌های انقلابی و فراهم کردن زمینه همه‌پرسی برای تعیین نظام و تدوین قانون اساسی، توانستند کنترل اوضاع را به دست گیرند. بسیاری انتظار داشتند نیروهای انقلاب اسلامی، به علت بی‌سازمانی در خلا قدرت غرق شوند. از این رو، بسیاری از فرصت‌طلبان به ویژه نیروهای چپ و التقاطی در کمین بودند پس از سقوط شاه، خود، زمام حکومت را به دست گیرند. دوره تثبیت نظام که حدود دو سال به طول انجامید، در بردارنده تحولات و مسائل فراوانی است که مهم‌ترین آنها را در ادامه بررسی می‌کنیم.

تصویب قانون اساسی

پنج‌شنبه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین نظرخواهی از ملت صورت گرفت. در دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، ملت ایران باید به این پرسش پاسخ می‌داد که حکومت جمهوری اسلامی را تأکید می‌کند یا خیر؟ نتیجه همه‌پرسی با ۹۸/۲ درصد آرا، پذیرش نظام جمهوری اسلامی بود. تهیه و تنظیم قانون اساسی، اقدام دیگری بود که می‌بایست صورت پذیرد. در ۱۴ تیر ۱۳۵۸، شورای انقلاب، قانون انتخابات مربوط به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را در ۸ فصل و ۴۱ ماده تصویب کرد و بر اساس آن، ۷۳ نفر با شرایطی که در قانون پیش‌بینی شده بود، برای عضویت مجلس خبرگان با رای مستقیم مردم انتخاب شدند. انتخابات، در ۱۲ مرداد همان سال برگزار و مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ افتتاح شد. در ۲۸ آبان ۱۳۵۸ نیز به کار خود

۲. براساس اسناد منتشره شده از سوی وزارت خارجه انگلیس، با وجود قدمت فعالیت‌های جاسوسی این کشور، پارسونز، سفیر آن کشور تا چند هفته پیش از پیروزی انقلاب، بر این باور بود که نظام سلطنتی به بقای خود ادامه خواهد داد. در همان زمان، یک مقام آمریکایی هم پیش‌بینی کرده بود، مانند رخدادهای دهه چهل، شاه این دوره را نیز با موفقیت پشت سر خواهد گذاشت.

پایان داد. مجلس خبرگان در زمان تشکیل، با تحولات بسیاری روبه‌رو بود. ملت ایران باید در تصمیمی نهایی، به‌طور مستقیم درباره قانون اساسی مصوب خبرگان نظر می‌داد.^۳

این همه‌پرسی، مانند همه‌پرسی تعیین نوع حکومت بود. بر اساس آمار وزارت کشور، تعداد شرکت‌کنندگان به ۱۵/۷۵۸/۹۵۶ نفر رسید. جمع آرای مثبت (آری) ۱۵/۶۸۰/۳۲۹ نفر و مجموع آرای منفی (نه) ۷۸۵۱۶ رای و آرای باطل‌شده ۱۱۱ رای بود. در سال ۱۳۶۸ پلپیشنهاد حضرت امام، اصلاحاتی در قانون اساسی صورت گرفت. این اصطلاحات، بیشتر در بخش رهبری؛ ریاست جمهوری؛ مجمع تشخیص مصلحت؛ مجلس شورای اسلامی؛ قوه مجریه؛ صدا و سیما و قوه قضاییه صورت گرفت.

اشغال لانه جاسوسی امریکا

اقدام دانشجویی در تصرف سفارت آمریکا در تهران، از جنبه‌های گوناگون ارزیابی شده است. روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، جمع‌ی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران که بعدها دانشجویان پیرو خط امام نام‌بخیه شدند، سفارت آمریکا در تهران را به تصرف خود درآوردند. انگیزه این کار، استقبال دولت آمریکا از شاه فراری ایران و دعوت وی برای ورود به آمریکا بود. دولت آمریکا به جای تلاش در بازگرداندن شاه برای محاکمه به داخل کشور، از هیچ کوششی برای حمایت از وی فروگذار نکرد.

اشغال سفارت و حضور گروگان‌های آمریکایی در ایران ۴۴۴ روز به طول انجامید و لیتاب‌های آن، در روابط و مواضع کشورها در برابر جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، اثرگذار بود و به تحولات مهمی در منطقه انجامید. به طور طبیعی، افکار عمومی ملت ایران از اقدام دانشجویان پیرو خط امام حمایت می‌کرد، ولی جرکنی لیکرال‌ها و التقاطی‌های راست‌گرا به دل‌یل وابستگی به غرب، این اقدام را برتابی‌ند و آن را محکوم کردند. رهبر فوحن انقلاب، اقدام دانشجویان را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نامید و بر حمایت خود از تسخیری سفارت تأکید کرد. حضرت امام (ع) توانست با مدی‌یت بحران گروگان‌گیری، آمریکا را در سطح منطقه و بنی المللی تحوی کند، و به ملت‌ها و دولت‌ها جرئت بخشد تا احساس شخصیت و علی‌ای آمریکا اقدام کنند.

مقامات آمریکایی درگی در بحران، به ای نکته اعتراف کردند که پرسش بنی المللی خود را پس از ای اتفاق در خطر دیده‌اند. این در حالی بود که آمریکا با استراتژی «ایجاد ترس به کمک هییت بنی المللی خود»، سال‌ها بر جهان حکومت کرده بود و شکستن ای هییت، به عنوان نهجه تسخیری سفارت آمریکا به دست دانشجویان، دستاورد بزرگی برای انقلاب اسلامی ایران بود.

۳. قانون اساسی، ترجمان آرزوهای یک ملت است، شکل و نوع حکومت، حقوق و آزادی‌های افراد را مشخص می‌کند و پیمانی است میان مردم و حکومت. بنابراین، لازم است اراده آزاد ملت آن را در نهایت تأیید کند. از این‌رو، اگر مسئولان کشور بتوانند و از مردم هراسی نداشته باشند، می‌کوشند همه‌پرسی را جزو مراحل تصویب قانون اساسی قرار دهند.

در ایران، همه‌پرسی در مورد قانون اساسی سابقه نداشت، ولی بسیاری از دیگر کشورها تجربه‌های در این باره داشتند. در سه مرحله، نظر ملت درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی به همه‌پرسی گذاشته شد؛ نخست درباره عنوان حکومت و چارچوب حاکمیت که در فروردین ۱۳۵۸ انجام شد؛ دیگر، انتخابات مجلس خبرگان که مردم با رأی مستقیم خود در هر استان نمایندگان مورد نظر خود را انتخاب کردند و سوم، همه‌پرسی برای تأیید نهایی قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان. این همه‌پرسی با دو پرسش صورت گرفت:

۱. با اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان موافقت دارید؟ آری.

۲. با اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان موافقت دارید؟ نه.

پرسش نخست به رنگ سبز و پرسش دوم به رنگ قرمز چاپ شد همه افراد، شامل باسواد و بی‌سواد بتوانند خود، اظهارنظر کنند و به مراجعه به اشخاص باسواد نیازی نداشته باشند. مجموع، حدود هجده هزار شعبه اخذ رای برای تمام کشور پیشی شده بود

هرچند در سال‌های اخیری به ویژه از سال ۱۳۷۷، برخی تصرف سفارت را اشتباه دانستند و کوشیدند با نزدیکی هرچه بیشتر فکری و عملی به غرب، از فعالیت‌ها و اندیشه‌های قبلی خود فاصله بگیرند. تسخیر لانه جاسوسی پیامدهای بسیاری در داخل و خارج کشور به همراه داشت که پاره‌ای از آنها را می‌توان در محورهای زیر برشمرد:

۱. شفاف‌شدن مواضع گروه‌ها

حرکت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و تسخیر لانه جاسوسی، از حرکتهای ضداستکباری در تاریخ انقلاب‌های مردمی بود که روح خودباوری و استکبارستیزی را در ملت ایران و نیز در دیگر ملت‌های محروم زنده کرد. همچنین، این اقدام اسطوره ابرقدرتی آمریکا را بار دیگر درهم شکست و فصل جدیدی از تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی را رقم زد. اشغال سفارت آمریکا، سقوط دولت موقت و شفاف‌شدن مواضع همه گروه‌ها، نیروها و جریان‌های سیاسی که به‌ظاهر یا به واقع با انقلاب همراه شده بودند را به دنبال داشت.

تسخیر سفارت از نظر داخلی، به حاکمیت لیبرال‌ها و میانه‌روها پایان داد. لیبرال‌ها که بیشتر، شامل طیف جبهه ملی و نهضت آزادی می‌شدند، معتقد بودند روحانیت و نیروهای مذهبی توان اداره کشور را ندارند. و تنها بروکرات‌ها و لیبرال‌ها توانایی این کار را دارند. مشی سازشکارانه و بی‌اعتقادی به خط امام و اقدامات انقلابی، موجب کندشدن حرکت انقلابی شده بود. در این شرایط، اقدام انقلابی دانشجویان، انقلاب را دوباره در مسیر اصلی آن قرار داد. در حقیقت، تسخیر لانه جاسوسی و حمایت امام از این کار، موجب سقوط خط سازش شد و انقلاب را از همان آغاز از افتادن در روش و اندیشه‌ای نادرست بازداشت. (نک: محمدی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

در کنار سقوط دولت موقت و بی‌اعتباری جریان‌های لیبرال، باید به بی‌اعتباری گروه‌های چپ نزد مردم نیز اشاره کرد. در مرحله اول، گروه‌ها، اعم از لیبرال و چپ در پی حمایت شدید و جدی امام و مردم از حرکت دانشجویان، اگر چه با تأخیری چندروزه، مجبور شدند سرانجام، حمایت خود را از حرکت دانشجویان اعلام کنند. در مرحله دوم و با آغاز افشاگری‌ها، گروه‌های سیاسی گوناگون، واکنش‌های متفاوتی نشان دادند. سپس با پایان افشاگری‌ها و آغاز مذاکرات مجلس برای آزادسازی گروگان‌ها، گروه‌هایی که نخست، حرکت تسخیر لانه جاسوسی را تأیید کرده بودند، نظره‌ا و نیت‌های حقیقی خود را آشکار ساختند و افزون بر انتقاد شدید از اقدام دانشجویان، آنان را محکوم کردند.^۴

۲. تثبیت خط امام

شاید مهم‌ترین اثر تسخیر لانه جاسوسی را بتوان تثبیت خط امام دانست که به دنبال شفاف‌شدن مواضع نیروها و گروه‌های گوناگون صورت گرفت. این امر را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: نخست درک این مرحله که نیروهای اصیل و طرفدار حقیقی انقلاب برای پیشبرد اهداف خود با چه مشکلی روبه‌رو بوده‌اند و تسخیر لانه جاسوسی چگونه موجب حل این مشکل شد.

۴. برای مثال، ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور ایران اسلامی که در نهایت، پس از همدستی با منافقان از کشور متواری شد، نخست، به اجبار پشتیبانی ظاهری خود را از این اقدام اعلام کرد و گروگان‌گیری را واکنشی به اقدامات آمریکایی‌ها دانست، ولی یک‌ماه بعد، به دنبال تداوم افشاگری‌هایی که می‌ترسید دامن گیر خود او را نیز شود، افزون‌بر مخالفت با گروگان‌گیری، به شعور ملت انقلابی ایران نیز توهین کرد.

دیگری، نقل آن بخش از اسناد لانه جاسوسی است که در آنها به بررسی عملکرد امام^۳ و نیروهای اصول‌گرا پرداخته شده و مخالفت حقیقی این گروه‌ها با آمریکا را نشان می‌دهد؛ امری که موجب ارتقای این بخش از نیروهای سیاسی در جامعه ایران شد و تاکنون نیز ادامه یافته است.

۳. تقویت هم‌گرایی ملی و رفع خودباختگی

مردم با حضور گسترده و دائمی خود در برابر سفارت و برپایی تظاهرات، از قید و بند نارضایتی‌هایی که بر اثر رفتارهای محافظه‌کارانه دولت موقت رخ داده بود، رها شدند. آنها روند گرایش مجدد به آمریکا را که ظرف نه ماه پس از پیروزی انقلاب شکل گرفته بود، متوقف کردند و دوباره در پیروی از امام و با هدف مقابله با استکبار جهانی، با هم متحد و یکپارچه شدند. حقیقت، اشغال سفارت سابق آمریکا، زمینه اتحاد و انسجام همه نیروهای متعهد و حزب‌اللهی را برای مقابله با تهدیدی بزرگ‌تر و مبارزه‌ای گسترده‌تر فراهم ساخت و آمریکا را که خطر آن به تدریج رو به فراموشی می‌رفت، به عنوان دشمن شماره یک کشور به مردم انقلابی معرفی کرد.

اشغال لانه جاسوسی، فعالیت‌های جاسوسی و خراب‌کارانه سفارت آمریکا را که در تخریب اوضاع کشور به زیان نیروهای اصیل انقلابی می‌کوشید، متوقف کرد. افشای اسرار سفارت، تلاش‌های سی‌ساله دولت آمریکا و سازمان سیا به منظور نفوذ در جامعه ایرانی و استخدام نیروهای مناسب، برای بهره‌برداری در زمان مطلوب را نقش بر آب ساخت.

۴. قرارداد الجزایر

انعقاد قرارداد الجزایر از سوی مسئولان دولت وقت ایران با مقامات آمریکایی، از دیگر پیامدهای داخلی تسخیر لانه جاسوسی به شمار می‌رود. در پی بحث‌های صورت گرفته در مجلس شورای اسلامی بر سر مسئله گروگان‌گیری، سرانجام محورهای مذاکرات دیپلماتیک، به منظور تأمین خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال آزادی گروگان‌ها، در مجلس تصویب و به دولت شهید رجایی ابلاغ شد. این محورها نخست، در پنج مورد بود که با مرگ شاه در پانجم مرداد سال ۱۳۵۹، در یک بیمارستان نظامی در قاهره شرط بازگرداندن شاه منتفی شد. به این ترتیب، چهار شرط آزادگذاشتن تمامی سرمایه‌های ایران، لغو همه ادعاهای آمریکا علیه ایران، تضمین دخالت نکردن آمریکا در امور سیاسی و نظامی ایران و بازپس دادن اموال ملی سرقت‌شده به دست شاه، مبنای گفت‌وگو قرار گرفت.

دولت، با توجه به پیشنهادهای مجلس، بهزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرایی) را به عنوان سرپرست گروه مذاکره‌کننده ایران انتخاب کرد. همچنین، الجزایر نقش میانجی را برای حل مسئله گروگان‌ها برعهده گرفت و تیم منتخب این کشور، به سرپرستی محمد بن یحیی، وزیر امور خارجه، مذاکره با ایران و آمریکا را آغاز کرد و پس از بحث و بررسی‌های فراوان، در نوزدهم ژانویه ۱۹۸۱، بیانیه‌ای درباره آزادی ۵۲ گروگان آمریکایی و بازگرداندن حدود هشت میلیارد دلار دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، به امضای بهزاد نبوی (طرف ایرانی) و وارن کریستوفر (معاون وزارت خارجه آمریکا) رسید.^۵

۵. بر اساس بیانیه الجزایر، دولت آمریکا مجبور به پذیرش شرایط ایران شد، این شرایط عبارتند از:

۱. دولت آمریکا متعهد شد از طریق لغو احکام انسداد، تاحد امکان، وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از بیست و سوم آبان سال ۱۳۵۸ (تاریخ صدور حکم انسداد سرمایه‌های ایران از طرف رئیس‌جمهوری وقت آمریکا) بازگرداند.

ظهور و استعفای بازرگان

پس از بازگشت امام خمینی (ع) از پاریس به ایران در بهمن سال ۱۳۵۷، با پیشنهاد شورای انقلاب و حکم حضرت امام (ع) در پانزدهم بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان، به نخست‌وزیری دولت موقت انتخاب و مامور تشکیل کابینه شد. (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۳۰) امام در حکم انتصاب مهندس بازرگان به این سمت فرمود:

جناب‌عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی او^۱ وابستگی به گروهی خاص، مامور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم و رجوع به آراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم، جهت تصویب قانون اساسی جدید را بدهید. ... (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۶، ۵۴ و ۵۵)

امام خمینی (ع)، از مردم ایران خواست نظر خود را درباره دولت مهندس بازرگان به‌عنوان یک دولت شرعی - اسلامی، از طریق مطبوعات و نیز به صورت راهپیمایی در شهرها و روستاها اعلام کنند. این راهپیمایی، با فراخوانی جامعه روحانیت مبارز تهران در نوزدهم بهمن سال ۱۳۵۷ صورت گرفت در بیست‌ودوم بهمن سال ۱۳۵۷ با پیروزی نهایی انقلاب، دولت موقت هدایت امور اجرایی و سیاسی کشور را به دست گرفت. (یزدی، ۱۳۶۳: ۱۹۳ و ۱۹۴) بازرگان، فردی میانه‌رو، معتقد به اصلاحات دموکراتیک و سیاست گامه‌گام بود این در حالی بود که جامعه ایران از هیجانی فزاینده انقلابی متأثر بود و فعالیت‌های انقلابی را طلب می‌کرد. باتوجه به تفاوت‌های ساختاری دیدگاه مهندس بازرگان و اعضای کابینه وی، با دیدگاه عمومی و رایج در جامعه که به تدریج، به نیروهای خط امام موسوم شدند و بر تغییرها و اقدامات سریع و انقلابی پافشاری داشتند، دیری نگذشت که اتحاد سیاسی و وحدت ناشی از شرایط ویژه انقلابی برای سرنگونی حکومت پهلوی، کم‌نگتر شد و جناح بندی‌های جدیدی در ساختار رسمی

-
۲. دولت امریکا متعهد شد از طریق اعمال موارد پیش‌بینی‌شده در بیانیه مربوط به حل و فصل ادعاها و ارجاع دعاوی به حکمیت مرضی الطرفین، به تمام فعالیت‌های حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن ادعاهای اتباع و مؤسسه‌های امریکایی علیه ایران و مؤسسه‌های دولتی آن باشد، پایان دهد، همه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو و از طرح دعاوی جدید جلوگیری کند. همچنین، زمینه پایان دادن به دعوای موجود را فراهم کند.
 ۳. ایالات متحده امریکا متعهد شد از آن پس در امور داخلی ایران به هیچ وجه مداخله نکند.
 ۴. ایالات متحده متعهد شد دارایی‌های ایران در قلمرو قضایی ایالات متحده را باز گرداند. این دارایی‌ها عبارت بود از:
 - طلاها و دارایی‌های متعلق به ایران، موجود نزد بانک فدرال رزرو نیویورک به انضمام بهره متعلقه؛
 - دارایی‌های موجود نزد شعب خارجی بانک‌های امریکایی با بهره متعلقه؛ (مقرر بود از این محل، اقساط معوقه و اقساط آینده وام‌های دولت و مؤسسه‌ای یادشده را دولت بازپرداخت کند).
 - دارایی‌های موجود نزد شعب بانک‌های داخلی امریکا؛ مقرر شد این دارایی‌ها به دلیل وجود احکام توقیف دادگاه‌ها، حداکثر ظرف شش ماه آزاد شود.طبق توافق، می‌بایست نیمی از وجوه آزادشده - حداکثر تا یک میلیارد دلار - در یک حساب تضمینی بهره‌دار به نام بانک مرکزی دولت الجزایر نگه‌داری شود که صرفاً برای تضمین پرداخت مبالغ مورد دعوای ایران، طبق بیانیه حل و فصل ادعاها استفاده گردد.
 - دارایی‌های دیگر ایران، شامل وجوه و اوراق بهادار^۲ در چارچوب دیگر بندهای یاد شده قرار نمی‌گرفت.
 ۵. ایالات متحده امریکا متعهد شد همه تحریم‌های تجاری علیه ایران را لغو کند.
 ۶. ایالات متحده متعهد شد ادعاهای مطروحه در دادگاه بین‌المللی علیه ایران را پس بگیرد.
 ۷. دولت امریکا متعهد شد از اقامه دعاوی توسط ایالات متحده یا اتباع آن یا اشخاص غیر امریکایی در دادگاه امریکا درباره هرگونه ادعاهای حالا آینده علیه ایران در زمینه [اشغال سفارت امریکا و گروگان‌ها] جلوگیری کند.
 ۸. ایالات متحده امریکا متعهد شد زمینه بازگشت دارایی‌های خانواده شاه در امریکا را به ایران فراهم سازد.
- برای مطالعه بیشتر نک: امیررضا ستوده و حمید کاویانی، *بحران ۴۴ روزه در تهران، گفت‌ها و ناگفته‌های از تصرف سفارت امریکا* ۱۵۷.

جمهوری اسلامی پدید آمد و پس از آن، اختلاف نظرها به اختلاف‌های سیاسی و رقابت‌های سیاسی تبدیل شد. در مجموع، تأکید بیش از حد دولت موقت بر حرکت گام‌به‌گام و واقع‌گرایی افراطی در شرایطی که مردم خواستار اقدامات انقلابی بودند، موجب شد دولت موقت پیش از آنکه مأموریت‌های محوله از طرف رهبر انقلاب را به انجام برساند، منحل شود. در روز ۱۴ آبان سال ۱۳۵۸، یک روز پس از فتح لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مهندس مهدی بازرگان از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و عمر ۹ ماهه «دولت موقت» به پایان رسید. امام خمینی^۵ با استعفای بازرگان موافقت کرد و طی حکمی، مسئولیت اداره کشور را به شورای انقلاب سپرد.^۶ ایشان در این حکم قاطعانه، خواستار انجام اقدامات انقلابی برای حل مشکلات موجود شد و فرمود:

... لازم به تذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان، باید امور محوله را خصوصاً آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان، به‌طور انقلابی و قاطع عمل نمایند. (نک: امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۰، ۵۰۰)

دلایل استعفا و سقوط دولت موقت را می‌توان بی‌توجهی دولت موقت به فضای انقلابی حاکم بر جامعه؛ ناهماهنگی با ارزش‌های اسلامی؛ همسویی نداشتن با نهادهای انقلابی؛ تفاهم نداشتن با اهداف انقلابی امام خمینی؛ نخبه‌گرایی به جای توجه به مردم؛ نبود همکاری میان روحانیون و نیروهای مذهبی؛ اختلاف با شورای انقلاب؛ مخالفت روشنفکران و گروه‌های چپ؛ بی‌انسجامی؛ ترکیب ناهمگون و اختلاف‌نظر در میان اعضای دولت موقت و تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برشمرد. می‌توان گفت دولت بازرگان، دولت دوران انقلاب نبود و سرانجام در یک فرایند مغلوب جریان انقلابی‌گری و از صحنه خارج شد.

تشکیل دولت موقت با توجه به محتوای حکم امام خمینی هنگام انتخاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری، با هدف نهادینه کردن اهداف انقلاب اسلامی صورت گرفت، ولی هماهنگ نبودن دیدگاه‌های آن دولت با این اهداف، دلیل ناتوانی بازرگان از ادامه نخست‌وزیری شد.

۶. بسم‌الله الرحمن الرحیم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی! چون جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، با ذکر دلایلی برای معذور بودن از ادامه خدمت، در تاریخ ۵۸/۸/۱۴، از مقام نخست‌وزیری استعفا نمودند. ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت‌فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه، استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال و نیز شورا در اجرای امور زیر بدون مجال مأموریت دارد:

۱. تهیه مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی؛

۲. تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی؛

۳. تهیه مقدمات تعیین رئیس‌جمهوری.

لازم به ذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم‌الشأن، باید امور محوله را، خصوصاً آنچه مربوط است به پاک‌سازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان، به‌طور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

۵۸/۸/۱۵ روح‌الله الموسوی‌الخمینی.

توطئه ضد انقلاب

۱. آشوب شورش ضدانقلاب و تجزیه طلبی

کردستان، نخستین منطقه تعارض گروه‌های مسلح با انقلاب بود. دو گروه دموکرات و کومله، سردمدار وقایع ضدانقلابی این منطقه بودند. گروه‌های معارض، با دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی، به محکم کردن جایگاه خود می‌انديشیدند. گروه‌های چپ و التقاطی که تهران و دیگر استان‌های کشور را برای مقابله آشکار با انقلاب مناسب نمی‌دیدند، کردستان را کانونی مناسب برای فعالیت خود یافتند و در آنجا پایگاهی بر پا کردند دولت موقت با اعزام هیئت‌سه نفره حل اختلاف به منطقه، بدون داشتن طرح و ایده‌ای مشخص، نتوانست اقدام قاطعی برای جلوگیری از استقرار ضد انقلاب در کردستان به عمل آورد. به این ترتیب، کردستان به کانون جنگ و بحران و تشنج تبدیل شد. کومله، ایده‌ای مائوویستی داشت، ولی رهبری قدرتمندی نداشت. مقرر حزب دموکرات نیز مهاباد و شمال کردستان بود. ایده حزب از کمونیسم ملّث‌تر بود، ولی برای جذب مردم مسلمان کرد، ایده خود مختاری تبلیغ می‌کرد. در اوایل سال ۱۳۵۹، کنترل بیشتر شهرهای کردستان از دست دولت مرکزی خارج شده بود و گروه‌های ضد انقلاب با حمایت عراق، بر کردستان تسلط داشتند. (کدی، ۱۳۸۳: ۳۷)

منطقه دیگر مورد توجه ضد انقلاب‌ها، خوزستان بود. آنها با بهره‌برداری از تفاوت زبانی و نژادی مردم این منطقه، در پی آن بودند این منطقه را علیه انقلاب بسیج کنند. همچنین، گروه‌هایی که اغلب از عراق آموزش دیده و فاقد ایدئولوژی و شکل معینی بودن، با خرابکاری در تأسیسات نفتی، تشنجاتی ایجاد می‌کردند. مهم‌ترین درگیری در اواخر بهار سال ۱۳۵۸ در خرمشهر اتفاق افتاد. در جریان جنگ تحمیلی نیز صدام به بهانه آزادی خلق عرب خوزستان، تجاوز خود به این استان را توجیه می‌کرد؛ هرچند مقاومت مردم آن سامان و کشتار بی‌رحمانه و تجاوز به مردم عرب منطقه، باطل بودن افکار صدام را آشکار ساخت. ترکمن صحرا، کانون دیگری بود که معارضین با بهره‌برداری از تفاوت مذهبی آن منطقه، اهداف خود را دنبال می‌کردند. اوج فعالیت‌های گروه‌های چپ در آن منطقه، زمستان سال ۱۳۵۸ بود که پس از چند روز درگیری و حضور سریع نیروهای انقلاب، آتش این فتنه نیز خاموش شد.

بلوچستان نیز از مناطقی است که به دلیل شرایط ویژه، همواره مطمع نظر مخالفان انقلاب بوده است. همچنین، در سال اول پیروزی انقلاب، درگیری‌هایی در زاهدان ایجاد و سپس کنترل شد. پس از آن، نیروهای معارض با دامن زدن به دیگر مسائل مانند قاچاق مواد مخدر، راهزنی و شرارت، مهاجرت افغان‌ها و نفوذ وهابیت، اهداف خود را دنبال کردند.

حزب توده و سازمان چریک‌های فدایی خلق، دو تشکل عمده بودند که به معارضه با انقلاب برخاستند. حزب توده در جریان ملی شدن صنعت نفت، خاطره بدی از خود در ذهن مردم ایران به جا گذاشت. از این رو، پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب از نظر تشکیلاتی در داخل متلاشی شد و کادرهای سیاسی آن در خارج استقرار یافتند. پس از پیروزی انقلاب، کادرهای خارج به ایران آمدند. که در سال ۱۳۶۲ به دنبال کشف نفوذ اعضای حزب در ارش، به ویژه نیروی دریایی، کادرهای اصلی مانند کیانوری و طبری به زندان افتادند و کادرهای نظامی آن مانند دریادار افضلی اعدام شدند. در بازجویی‌ها، مسئولان این حزب به فعالیت‌ها و توطئه‌های گسترده خود به منظور براندازی انقلاب، اعتراف کردند.

نیروی دیگر، سازمان چریک‌های فدایی بود که به دو گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. اکثریت، به حزب توده پیوست و طرفدار مشی سیاسی بودند، ولی گروه اقلیت طرفدار مشی مسلحانه بود و در فعالیت‌های تروریستی علیه نظام، شرکت کرد که سرانجام سرکوب شد و کادرهای اصلی آن در خارج کشور استقرار یافتند.

سازمان مجاهدین خلق نیز تجسم فکری التقاطی، با ایدئولوژی آمیخته به مارکسیسم و اسلام بود. در جریان پیروزی انقلاب، چند تن از کادرهای قدیمی این سازمان از زندان آزاد شدند و به سرعت شروع به سازماندهی کردند. آنها در جریان ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، اسلحه فراوانی جمع کردند و از همان روزهای آغاز پیروزی انقلاب، به گونه مختلف در برابر نظام ایستادپس از روی کار آمدن بنی‌صدر، اعضای این سازمان نزدیک شدن به او، آشوبها و تظاهرات بسیاری را بر پا کردند و در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، همزمان با عزل بنی‌صدر و در اوج جنگ تحلیلی و تهاجم عراق، اعلام جنگ مسلحانه علیه انقلاب کردند.^۷

تشکل‌های دیگری مانند فرقان و آرمان مستضعفان، در پوشش اسلام‌گرایان و آیت‌الله مطهری و آیت‌الله مفتاح خوندنمایی کردند، ولی به سرعت متلاشی شدند. (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۹۲)

۲. کودتا

کودتا، خشن‌ترین شکل توطئه است که استعمار به کشورها تحمیل می‌کند. در تاریخ ایران دو کودتای مهم با هدف تأمین منافع غرب را می‌توان نام برد؛ کودتای رضاخان که با هدایت آبرونساید انگلیسی صورت گرفت و کودتای ۲۸ مرداد در ایران که با برنامه‌ریزی مشترک امریکا و انگلیس به رهبری کرومیت روزولت اجرا شد.

در فرایند شکل‌گیری انقلاب، امریکا بارها طرح کودتا را آزمود و سرانجام، با مأموریت هایزر، کوشید از پیروزی انقلاب جلوگیری کند. حزب توده نیز در سال ۱۳۶۲ در پی کودتایی با هدایت شوروی‌ها بود. این حزب توانسته بود در برخی پست‌های حساس کشور نفوذ کند. کودتای نوژه، مهم‌ترین گام سازمان سیا در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. (کدی، ۱۳۸۳: ۳۴ و ۳۹) این کودتا که بسیار دقیق طراحی شده بود و سازمان سیا، کشورهای عربی منطقه، کشورهای اروپایی و ضد انقلاب داخل و خارج، همه در ایجاد آن نقش و امید داشتند، در ۱۸ تیر سال ۱۳۵۹ خنک‌شد. با وجود این، سیا با پیگیری طرح کودتا در سال ۱۳۶۱، کودتای دیگری را با همراهی قطب‌زاده طراحی کرد که دوباره خنثی شد.

۳. ترور

پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، یکی از حربه‌های غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی، ترور بود. گروه فرقان، نخستین گروه تروریستی بود که شهید مطهری، آیت‌الله مفتاح، قاضی طباطبایی، سپهبد قرنی و حاج مهدی عراقی را به شهادت رساند. دومین

۷. سازمان مجاهدین خلق، در تابستان سال ۱۳۶۰، ترورهای بسیاری انجام دادند که انفجار حزب جمهوری؛ ترور شه‌یح آیت؛ انفجار مقر نخست وزیری و شهادت رجایی و باهنر و انفجار دادستاری و شهادت آیت‌الله قدوسی از آن جمله است. تا سال ۱۳۶۱ تقریباً همه خانه‌های مع‌ی و پایگاه‌های عملیات شهری آنها از مع‌ی رفت و کادرهای اصلی آن به خارج رفتند و سرانجام، در عراق مستقر شدند. آنها در دادن اطلاعات به ارتش عراق و بازجویی از اسرای ایرانی نقش داشتند. آخرین و مهم‌ترین عملیات آنها در اواخر جنگ تحمیلی بود. آنها در این عملیات، عمده قوای خود را با پشتیبانی عراق، وارد مرزهای غربی کشور کردند که در عملیات مرصاد، آن قوا به کلی نابود شد. این گروه به طور مستقیم، در به شهادت رساندن چند هزار نفر از ملت مسلمان ایران نقش داشته‌اند.

موج ترور، پس از شکست توطئه بنی‌صدر، در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی آغاز شد و به تدریج، با گسترش آن، مردم عادی کوچه و بازار را نیز در بر گرفت. با فروپاشی سازمان منافقین، دامع ترورها نیز کنترل شد.

۴. تجاوز

پس از آنکه امریکا از سازش با رهبر انقلاب اسلامی ناامید شد، تجاوز نظامی را در دستور کار خود قرار داد. نخستین عملیات نظامی، ماجرای طبس بود که به رهبری امریکا و کشورهای هم‌پیمان امریکا و به بهانه آزادی گروگان‌ها صورت گرفت. این عملیات در بهار ۱۳۵۹ به اجرا درآمد که به دلیل طوفان شن در صحرای طبس ناکام ماند. پس از شکست حمله طبس و طرح کودتا، حمله سنگین نظامی صدام در شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. هدف اولیه تجاوز صدام، تشکیل دولت ایمان آزاد در خوزستان، به امید سرنگون کردن تدریجی نظام جمهوری اسلامی بود که با هوشیاری ایران و پیروزی ایرانیان، این توطئه نیز خنثی شد. مهم‌ترین مسئله در جنگ تحمیلی آن بود که دو ابرقدرت از صدام حمایت می‌کردند. (همان: ۸۰ - ۱۰۰)

جریان شناسی

چالش‌های فکری، پس از انقلاب اسلامی، از مبارزه اندیشه‌ای گروه‌های سرکشی - اسلامی پیش از انقلاب سرچشمه می‌گرفت. شرایط دوران مبارزه در زمان شاه، زمینه طرح عمیق مباحث فکری و اندیشه‌ای را فراهم نمود. سرکشی از گروه‌ها در اهدافی چون مبارزه با استبداد، استعمار، ایجاد حکومت اسلامی و تلاش برای استقرار قوانین اسلامی مشترک بودند، ولی در نگاه عمیق‌تر، اختلاف‌های فکری مهمی در مبارزه اندیشه‌ای آنها وجود داشت که با پیروزی انقلاب، این اختلاف‌ها زمینه بروز پیدا کرد.

روشن‌فکری

روشن‌فکری، پس از انقلاب، در روشن‌فکری گذشته ریشه داشت، و در همان حیطه سر می‌کرد. در روند پرفراز و نشیب روشن‌فکری، مهم‌ترین حادثه، انقلاب اسلامی بود که به رهبری عالمی دینی، همه جریان‌های روشن‌فکری را تحت تأثیر خود قرار داد. تحت تأثیر فضای جنگ و حتی تا پایان آن، هیچ بخشی از روشن‌فکری منشأ اثر نبود. در دهه دوم انقلاب، با شکست مارکسیسم، تنها وجه روشن‌فکری، لیبرالیسم است. روشن‌فکری امروز جامعه ایران، در جریان‌های لیبرال‌های مسلمان و لیبرال‌های لائیک تبلور می‌یابد که جریان لیبرال‌های مسلمان، خود به سه دسته لیبرال‌های تئوریک؛ لیبرال‌های پراگماتیک و ژورنالیزم‌های لیبرال تقسیم می‌شوند.

جریان لیبرال‌های لائیک به صورت متشکل، بیشتر در خارج از کشور در پی فرصتی هستند تا با کمک لیبرال‌های داخل، زمینه فعالیت‌هایشان فراهم شود. لیبرال‌های لائیک به دینی اعتقاد ندارند و لیبرال‌های مسلمان از نوع تئوریک، در پی تفسیر دینی براساس مدرنیسم هستند. لیبرال‌های پراگماتیک نیز تئوری‌های دسته اول را به اجرا می‌گذارند و ژورنالیزم‌های لیبرال، نقش واسطه را میان لیبرال‌های تئوریک و جامعه ایفا می‌کنند.

نهضت آزادی، دارای آرمان‌هایی آمیخته به لیبرالیسم و اسلام بود. این تشکل از سال ۱۳۴۰ به رهبری مهندس بازرگان به وجود آمد و اعضای آن با آیت الله طالقانی رابطه نزدیکی داشت. همچنین، در حوادث و مبارزه‌های سیاسی دهه ۴۰ و ۵۰ اثرگذار

بود. مهندس بازرگان، نخستین نخست وزیر جمهوری اسلامی و کادرهای دولت موقت را بیشتر از میان اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی انتخاب کرد. به تدریج، نهضت آزادی از حاکمیت حذف شد و افراد آن امروزه از منتقدان نظام هستند. نیروهای ملی گرا اغلب، از بازماندگان جبهه ملی بودند که در جریان انقلاب، جان تازه‌ای گرفتند و با عضویت در دولت موقت، برای خود جای پای باز کردند. فعالیت این افراد، بیشتر سیاسی - تبلیغاتی بود. آنها پس از سقوط دولت موقت از بنی‌صدر حمایت کردند، لایحه قصاص را زیر سؤال بردند و در جریان عزل بنی صدر با همراه دیگر مخالفان، درصدد برپایی آشوب بودند که با اخطار امام منحل و بیشتر، منزوی شدند یا به خارج از کشور رفتند. (نک: شادلو، ۱۳۷۹: ۱۵۶)

(ب) دوره دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷)

اغلب تحلیل‌گران خارجی، آگاهانه یا ناآگاهانه کوشیده‌اند اختلاف‌های مرزی را از دلایل اصلی تجاوز عراق به ایران معرفی کنند، در حالی که این امر، مسئله‌ای نبود که دو کشور همسایه را با جنگی خانمان‌سوز درگیر سازد بلکه دشمن هدف‌های دیگری چون از بین بردن انقلاب اسلامی را دنبال می‌کرد.

پیش از پیروزی انقلاب، روابط کشورهای به ظاهر همسایه، با ایران گرم بود، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه ، خلاء قدرتی در منطقه ایجاد شد. صدام حسین برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه، جنایت‌های بسیاری را مرتکب شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا صدام را مأمور کرد تا جمهوری اسلامی ایران را از صحنه روزگار محو کند. البته صدام حسین و سخن‌گوی عراق، اهداف دیگری چون عربی بودن خوزستان و اینکه خوزستان جزئی از عراق است و حاکمیت بر سرزمین‌های عربی را بهانه می‌کردند. صدام بنیاساس همین اهداف توسعه طلبانه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی دست به آشوب‌های مرزی زد تا بهانه‌های لازم برای حمله همه جانبه خود به ایران را بدست آورد.

ارتش عراق، در ۱۳ فروردین سال ۱۳۵۸، ۵۰ روز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران ، به حریم هوایی شهر مهران تجاوز کرد و روز بعد، گروه پیاده خود را به سمت قصرشیرین روانه ساخت. با تجاوز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حدود ۶۳۶ مورد تجاوز هوایی - زمینی - بمباران و غارت احشام مرزنشینان توسط عراق صورت گرفت که طی آن عده‌ای از مردم بی‌گناه کشته و مجروح شدند. پایبندی جمهوری اسلامی ایران به قرارداد ۱۹۷۵ تا جایی بود که پس از بمباران‌های روستاهای مرزی ایران توسط هواپیماهای عراقی، دولت ایران بدون اقدام متقابل، به منظور کاهش تشنج در منطقه، استاندار آذربایجان غربی را برای مذاکره با استاندار سلیمانیه به عراق اعزام کرد. به هر حال، عراق پس از مقدمه‌چینی‌هایی که به آن اشاره شد ، در تاریخ ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۹، به بهانه اینکه ایران در تحویل و تحول زمین‌هایی که علامت‌گذاری شده است، کوتاهی می‌کند، با ارتش خود برای اشغال این زمین‌ها اقدام کرد. صدام حسین در ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹، در نطقی در پارلمان آن کشور، با الغای قرارداد ۱۹۷۵ تأکید کرد عراق برای ایران در اروندرود حقی قائل نیست. در حقیقت، اعلام لغو قرارداد ۱۹۷۵، مقدمه تجاوز نظامی عراق به خاک ایران بود.

براساس شواهد، آمریکا و اسرائیل به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، عراق را به تجاوز به خاک ایران تشویق می‌کردند. ارتش عراق در ۳۱ شهریور، بیش از ۱۳۰۰ روستا را ویران و شهرهای مرزی ایران را با خاک یکسان کرد و عده‌ای از مردم بی‌گناه را به شهادت رساند.

پیشروی سریع و گسترده دشمن در روزهای اول جنگ، دلایل بسیاری داشت که می‌توان به سازماندهی دقیق نیروی دشمن پس از پیروزی انقلاب، اطمینان از پشتیبانی‌های ابرقدرت‌ها و کشورهای منطقه، حضور نیروهای ارتش برای مقابله با ضدانقلاب و گروهک‌ها در شمال غرب، و خیانت‌ها و نادانی‌های بنی صدر به عنوان فرمانده کل قوا اشاره کرد. برخلاف انتظار صدام، در روزهای اول، ارتش شامل نیروهای زرهی، پیاده، توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی و نیروهای موجود ژاندارمری، در برابر هجوم ارتش عراق، مقاومت‌های سرسختانه‌ای نشان داد و به مرور، تشکیل سپاه و انسجام و حضور بسیج مردمی، اجازه پیشروی بیشتر عراق را به خاک ایران نداد. این امر موجب شد صدام فکر پیشروی را از سر بیرون کند. صدام با دیدن مقاومت نیروهای مسلح و مردم ایران به اشتباه خود پی برد و دیگر چاره‌ای جز تثبیت یگان‌های خود در مناطق اشغالی نداشت.

جنگ تحمیلی در ماهیت فکری و ایدئولوژیکی، اختلاف بسیاری با جنگ‌هایی داشت که تاکنون در سطح بین‌المللی رخ داده بود. در دیگر موارد، نبردی که یک سو، موضع حق و سرچشمه گرفته از مکتب الهی اسلام باشد و دیگر سو، موضع شیطان‌ی با پشتوانه استکبار جهانی، وجود نداشت، ولی این وضعیت در جنگ ایران و عراق ملموس بود. نبرد این دو کشور به ظاهر نبرد توپ و تانک و هواپیما و تجهیزات زرهی بود، ولی در حقیقت، نبرد انگیزه و عقیده بود. بنابراین، برجسته‌ترین اختلاف این نبرد با دیگر نبردهایی که در سطح بین‌المللی در قرن بیستم به وقوع پیوسته، آن بود که ماهیت هیچ کدام از جنگ‌ها، ماهیت ایدئولوژیکی نبوده و هیچ یک انگیزه الهی نداشته‌اند.

سر انجام در روز ۱۸ آذر سال ۱۳۷۰، با گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت این سازمان، دولت عراق به طور رسمی به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران شناخته شد. این گزارش بر اساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ تهیه شده بود. این بند، دبیرکل سازمان ملل را موظف کرده بود آغازگر جنگ ایران و عراق را به شورای امنیت معرفی کند. از این رو، دکوئیه‌یار، دبیرکل وقت سازمان ملل، در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۰ از دو کشور ایران و عراق خواسته تا در گزارش‌های جامعی، نظر خود را درباره شروع جنگ تسلیم وی کنند. ایران در ۲۴ شهریور، گزارش کاملی که تجاوز عراق به ایران را اثبات می‌کرد، تسلیم دکوئیه‌یار کرد. عراق نیز در ۷ شهریور پاسخ خود را برای دبیرکل سازمان ملل فرستاد. دکوئیه‌یار در گزارش خود، پاسخ عراق را غیرمحتوایی توصیف کرد و دلایل این کشور را برای شروع جنگ غیرقابل قبول دانست. یکی از موارد قابل تأمل در گزارش دبیرکل سازمان ملل، موقعیت زمانی انتشار آن است. این گزارش پس از حوادث کویت و بسیج جامعه جهانی علیه صدام منتشر شد. به عبارت دیگر زمینه سیاسی برای انتشار این گونه گزارش‌ها که از تجاوز رژیم بعث به همسایگانش حکایت می‌کند، فراهم بود.

جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ سال پس از شروع جنگ و سه سال و نیم پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، این گزارش را منتشر کرد و دبیرکل سازمان ملل، در این مدت، فرصت فراوانی برای تحقیق درباره شناسایی متجاوز در جنگ ایران و عراق داشت. صرف نظر از عامل اشغال کویت که افکار عمومی جهان را به متجاوز بودن رژیم صدام متقاعد ساخته بود، انتشار گزارش خاویر پرز دکوئیه‌یار، خود یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

قطعه‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت، در ۲۹ تیر سال ۱۳۶۶ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید و جمهوری اسلامی ایران آن را در ۲۶ تیر سال ۱۳۶۷ پذیرفت. براساس این قطع‌نامه، در ۱۷ مرداد سال ۱۳۶۷، در حداث‌های مرزهای دو کشور، نیروی حافظ صلح - «یونیماک» - مستقر شد. سپس در ۲۹ مرداد سال ۱۳۶۷، میان دو کشور آتش‌بس برقرار شد و دبیرکل سازمان ملل در ۱۸ آذر سال ۱۳۷۰، پس از تکمیل تحقیقات خود، عراق را آغازگر جنگ علیه ایران معرفی کرد.

عصر مقام معظم رهبری

اگر تحولات جامعه را بر اساس رهبری ولی فقیه تحلیل کنیم، می‌توان از رحلت امام خمینی (ع) و سپس رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نقطه عطف مهمی یاد کرد. بی‌تردید، در این برهه چون عصر پر افتخار امام خمینی (ع)، شاهد تحولات شگرفی در عرصه روابط خارجی و داخلی هستیم که در این مجال، به گزارش کوتاهی از آن در سه فراز اشاره خواهیم داشت.

۱. دوران سازندگی و گفتمان توسعه اقتصادی

در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بحث عدالت اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی و سیاسی و تعیین اولویت میان آنها در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشت. گروه‌ی توسعه اقتصادی را بر عدالت اجتماعی و حتی ارزش‌ها مقدم می‌دانستند. اگر چه در ضرورت بازسازی و تعدیل اقتصادی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده از دوران دفاع مقدس و زیربنای اقتصادی کشور تردیدی نیست، سازندگی پیامدهایی در پی داشته است که عبارتند از:

الف) افزایش میزان باسوادی، تعداد دانشجویان و مراکز آموزش عالی و تغییر سلیقه‌ها و علاقه‌های افراد از نظر فرهنگی و افزایش انتظارات و درخواست‌ها برای مشارکت، زمینه‌های مساعدی برای مشارکت همگاری ایجاد کرده بود. با این حال، در دوره سازندگی نتیجه مثبتی در پی نداشت.

ب) دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی با اجرای «سیاست تعدیل» شناخته شد. صندوق بین‌المللی پول در دهه هشتاد، سیاست تعدیل را به کشورهای متقاضی وام تحمیل می‌کرد. هدف این صندوق، تضمین بازپرداخت بدهی‌ها همراه با سود آنها بود. برنامه تعدیل، با خاستگاه نظری اقتصاد نئوکلاسیک مبتنی بر فلسفه اصالت فرد و حداکثرسازی سود فردی منطبق بود که از لوازم آن، روند افزایش نابرابری و فقر است. (کدی، همان: ۵۵)

پ) آزادسازی تجارت که به منظور تشویق سرمایه‌داران به تولید کالاهای صادراتی صورت گرفت، موجب کاهش ارزش پول ملی شد. دو سیاست آزادسازی و تعدیل از سویی، به افزایش واردات و تبلیغات اقتصادی برای فروش کالاهای وارداتی و تولیدات داخلی انجامید و از دیگر سو، موجب افزایش تورم، تشدید فقر و نابرابری در دوران سازندگی شد.

ت) سیاست تعدیل، نهاد دین را دچار فرسایش کرد و اقتصاد استکباری از نوع سرمایه‌داری را که در رژیم گذشته در ایران نهادینه شده بود، تداوم و گسترش بخشید. تعدیل اقتصادی به افزایش مصرف در بخش عمومی و خصوصی و شکل‌گیری طبقه جدید سرمایه‌داران و شکاف فقیر و غنی انجامید. به این ترتیب، به تدریج، زشتی طبقاتی کردن جامعه از بین رفت و سبک زندگی دولتمردان تغییر کرد تا آنجا که مقام معظم رهبری با اشاره به این دگرگونی‌ها فرمود:

من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود. یکی طلبه بود. یکی منبری بود. همه مان این طوری بودیم، اما حالا مثل عروسی اشراف، عروسی بگیریم؛ مثل خانه اشراف، خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم، اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟!... اندازه نگه دارید. دولت مخارجش زیاد و سنگین است. اگر مبلغی از مخارج دولت عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطا است... برای این کارها حد بگذارید. دستگاه‌ها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیون‌ها و تغییر خانه‌ها و خرج‌های اضافی حدی معین کنند... گاهی از جاهایی گزارش‌های می‌دهند که می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند. سؤال می‌کنیم چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر بنشینند، معین کنند و مسئله را در جایی ببرند، من هم اگر باید دخالت کنم، بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین طور بی حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌ای ده‌ها ماشین به رنگ‌های گوناگون متعلق به مسئولان آنجا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟... به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید! اینها ما را از مردم دور می‌کند. (رهبر معظم انقلاب، دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۷۰/۵/۲۳)

این سخنان عتاب‌آلود در ماه‌ها و سال‌های بعد نیز از زبان رهبر انقلاب شنیده شد، ولی این رویه فساد انگیز همچنان ادامه یافت تا دولتمردان بیش از پیش از مردم دور شدند. در چنین وضعی، توجه جدی دولتمردان به مقوله عدالت اجتماعی و معیشت طبقات پائین دست جامعه به شوخی شبیه بود.

(ج) عوارض منفی همچون رانت‌خواری، ثروت‌های بادآورده، تورم و افزایش نقدینگی، بر دستاوردهای این دوره اثرگذار بود. (کدی، همان: ص ۵۹)

با فرونشستن فضای پرتلهاب و سرشار از معنویت دوران جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، مهم‌ترین چالشی که در فضای انقلاب اسلامی آشکار شد، تشدید اختلاف‌های فکری و تهاجم فرهنگی غرب بود. این امر که به تدریج، از آغاز ده هفتاد آغاز شد، در اواخر ده هفتاد، به مبانی دینی انقلاب اسلامی حمله کرد و کوشید بر مبنای اندیشه‌های غربی، اندیشه انقلاب اسلامی را به سود مدرنیته باز تفسیر کند. در چنین فضایی، دانش برگرفت از مدرنیته و غرب ارج و منزلت یافت و حتی در برخی لایه‌ها و سطوح مدیریتی جامعه رسوخ کرد. در نهایت، طرح نهضت نرم‌افزاری و تلاش برای تولید دانش و معرفت، گامی به سمت پیروز شدن بر جریان مزبور مطرح شد. چالش فرهنگی یاد شده، از ظهور دوباره جریان روشن‌فکری در عرصه مطبوعات و رسانه‌های جمعی در برابر جریان انقلاب اسلامی سرچشمه می‌گرفت. مهم‌ترین چالش‌های مطرح شده از سوی جریان روشن‌فکری که پیامد آن در غرب و رسانه‌های خارجی تجلی داشت، عبارتند از:

- به چالش کشیدن نظریه ولایت فقیه و کوشش برای مخدوش جلوه دادن آن؛
- به چالش کشیدن تئوریک مشروعیت نظام اسلامی و تلاش در موجه جلوه دادن مشروعیت مدل‌های غربی؛
- القای ناسازگاری حکومت دینی و جایگاه و مشارکت مردمی و القای برتری دموکراسی غربی، در مقابل آراء نظریه مردم‌سالاری دینی با شاخصه‌های ویژه خود؛
- آزادی با تفسیر غربی و القای این‌که دین مخالف آزادی است؛
- تاکید بر جامعه مدنی به مثابه مبنای برابری تعیین حیات اجتماعی و پرهیز از هویت دینی بر اساس اسلام؛

- تأکید بر ناکارآمدی دین در رفع نیازهای اساسی جامعه و انقلاب اسلامی و ضرورت جایگزینی با نظریه‌های توسعه سیاسی - اقتصادی غربی؛

- کوشش در سکولاریزه کردن نظام سیاسی، القای دین از سیاست و ناکارآمدی دین؛
- تأکید بر تعارض سنت و مدرنیسم و کوشش در موجه جلوه دادن مدرنیته و ناپسند جلوه دادن سنت.

۲. گفتمان توسعه سیاسی

شعار توسعه سیاسی در حالی حاکمیت یافت که جامعه با فقر دست به گریبان بود . در تحلیل و تبیین زمینه‌ها، دلایل و فعالیت‌های بارکن جریان دوم خرداد، دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی بطن شده است. می‌توان گفت تحولات اقتصادی دوران سازندگی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، زمینه ساز ظهور این جریان؛ یعنی ادامه طبعی دوران سازندگی بود.

مبنا و خاستگاه نظری اصلاحات

«اصلاح»، مقابل «افساد» است و هر دو مفهوم ارزشی هستند که تعریف آنها جز با توجه به مبانی ارزشی مورد قبول جامعه ممکن نیست آیا ما در تشخیص صلاح و فساد باید پلورالیست شویم صلاح و فساد واحد است؟ با چه معیاری یک حرکت، اصلاحی یا افسادی است؟

به نظر می‌رسد بیشتر از یک اصلاح حقیقی وجود ندارد. اگر بگوییم چیزی اصلاح است و همه باید بپذیرند، باید در ارزش‌ها به ارزش مطلق معتقد باشیم؛ یعنی هدف مطلوبی که برای همه انسان‌ها مطلوب است و همه باید به آن برسند . آن‌گاه هر حرکتی که برای رسیدن به آن باشد، «اصلاح» نامیده می‌شود و اگر چیزی بر خلاف آن باشد، افساد است.

پس صلاح و فساد حقیقی و ارزش‌هایی اصیل وجود دارد و تابع هوس‌ها، سلیقه‌ها و پسندهای افراد یا ملت‌ها نیست. ما به وجود یک هدف مطلق اعتقاد داریم و به اصلاح و افساد حقیقی قائل هستیم؛ یعنی حرکتی می‌تواند به حقیقت اصلاح باشد که ما آن را «اصلاح» بدانیم یا ندانیم و حرکتی می‌تواند افساد باشد که ما به آن معتقد باشیم یا نباشیم.

زمینه‌های فساد در انسان، از پیش از آفرینش او پیش‌بینی شده بود. آنگاه که خداوند متعال فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

خَلِيفَةً»، فرشتگان گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره: ۳۰)

با این حال، برخی افراد که به اشتباه یا برای اغفال دیگران، ادعای «اصلاح» می‌کنند، در صورتی که کارشان «افساد» است، چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۲)

بر اساس نظریه‌ای که بر پلورالیسم و نسبی‌گرایی مبتنی است، ما نمی‌توانیم تعریفی از «اصلاح» و «افساد» داشته باشیم . اصلاح یک گروه همان است که آن گروه می‌خواهند، در حالی که گروه دیگر چیز دیگری می‌خواهند و اصلاحشان همان است . در تفکر غربی که بر نسبی‌گرایی و گرانش فردگرایانه و لیبرالی مبتنی است. به طبع، هدف مطلوب مطلق وجود ندارد . اصولاً تعریف یک هدف مطلق برای انسانیت معنا ندارد تا بتوان گفت رفتن به سوی آن هدف، اصلاح است. از این رو، حرکت می‌تواند اصلاح و همان حرکت به نظر پیروان مکتب دیگر، افساد باشد.

در مبنای فکری نسبی‌گرایانه غرب، اساس اصلاح و صلاح، خواست مردم است و صلاح و فساد جز لذت‌گرایی و آرای مردم وجود ندارد. «صلاح» همان است که مردم می‌خواهند و «فساد» همان چیزی است که مردم از آن پرهیز می‌کنند.

نقد و ارزیابی گفتمان اصلاحات

الف) اساس فکر گروهی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ وارد صحنه سرکست و اجتماع شدند، نظریه‌های معرفت‌شناسی، دین‌شناسی و علوم سرکسری غربی بود. گروهی از آنها می‌پنداشتند مردم، عرصه قدرت و تصمیم‌گیری را برای تغییر به آنها سپرده‌اند. نظریه توسعه سیاسی که جامعه مدنی مفهوم کلیدی آن است، برآمده از اندیشه‌های سیاسی لیبرالی و ملازم اقتصاد سرمایه‌داری بود و طرحی لیبرالیستی برای تکمیل نظام سرمایه‌داری به شمار می‌آمد. نظریه‌های توسعه سیاسی غربی در عمل، دین را از سیاست جدا می‌کرد و با پلورالیسم سیاسی گامی به سوی تکثرگرایی دینی برمی‌داشت. بر این اساس، زمینه فرهنگی تعدیل اقتصادی و توسعه سیاسی، نظریه پلورالیسم فرهنگی و دینی بود.

ب) پس از به‌روزی انقلاب اسلامی، نوگرایی دینی بر مبنای معرفت‌شناسی لیبرال سازماندهی شد که با پیش از انقلاب تفاوت‌های اساسی داشت. این دیدگاه با توجه به مباری فکری و معرفت‌شناسی لیبرالیسم، توجه به فرد واجد عقل و توانمند در تشخیص حق و باطل را زیربنای فکری خود قرار داد. (پنهان، ۱۳۸۲: ۲۶) رشته‌های گوناگون علوم انسانی در شکل‌گیری مباری نوگرایی دینی اثرگذار بود، ولی اصلی‌ترین پایه‌های معرفت‌شناسی این نگرش را باید در مباحث پلورالیستی و هرمنوتیکی جست‌وجو کرد. پلورالیسم دینی، با تفکیک میان ماهیت دینی و آموزه‌های انسانی، معرفت دینی را نتیجه تجربه افراد در شرایط زمانی و مکانی گوناگون می‌داند. بر این اساس، هیچ معرفتی، حقیقی و آسمانی نیست و هیچ تفاوتی میان ادیان وحی‌اری و غیوح‌کلی آسمانی و زمینی نیست. مسئولیت پایانی در تشخیص دینی و چگونگی تفسیر آن، با اشخاص و افراد است. (سروش، ۱۳۷۴ «الف»: ۵۹)

این نظریه، راهکاری برای دور کردن دین از صحنه اجتماعی و سرکست بود. از این رو، می‌توانست مبنای نظری اصلاح‌طلبی قرار بگیرد. ادعای این دین‌مداری آن است که آموزه‌های دینی به دلائل کاسخی‌ها و نقصان‌های تاریخی، با آموزه‌های تمدن عقلاری جدی ناسازگار شده و توانمندی و خلوص آن نیز آسیب دیده است. (نک: کدیور، ۱۳۸۰)

نوگرایی دینی، بر پایه معرفت‌شناسی‌های پلورال و نسبی‌گرا در پی مجاز معرفتی کردن قرائت‌های مختلف دینی است. در این قرائت‌ها تجربه‌های انسانی و عصری، ملاک و معیار تفسیرهای گوناگون می‌شود. بر این اساس، قرار نیست هیچ خرافه و بدعتی نفی شود. سکولاریسم به معنای معروف آن که قداست‌زدایی و درع‌پوشی کردن است، چیزی غی از پذیرفتن قرائت‌های غی‌دینی نیست و نگرشی است که براساس آن انسان‌ها ملاک و مبنای مشروعیت و مرجع تفسیرها و تشخیص‌ها می‌شوند و فرهنگ، ارزش، دین و دیگر امور افراد براساس این نگرش، بای به خود آنها واگذار شود. اصول بخش‌دینی و مطلق و فرا انسانی و هم‌ه اینئولوژی‌ها، برای پذیرش اینئولوژی سکولاریسم نفی می‌شود و حتی فهم و شناخت دینی نیز بای براساس نگرش جدید بازسازی شود.

نوگرایی دینی و سکولاریسم که دین‌مداری را به افراد و اعصار واگذار می‌کنند و اصل آن را از دسترس انسان‌ها دور می‌سازند، به نتایجی چون دین‌حداقلی و تجربی می‌رسند. در این دیدگاه، روحانیان تنها متولیان دین نیستند؛ زیرا امر دینی فقط

به آنها اختصاص ندارد. (سروش، ۱۳۷۴ «ب»: ۲۶) افزون بر این، چون مدیعت، حرفه و فرهی کارشناسی است، بای از دسترس روحانی خارج شود. همچنین، فقه و احکام دینی بای با اجتهاد پولی و مستمر با عرف عقل، هماهنگ شود و در تمامی جنبه‌های آن تغییر و تعدیل اساسی صورت گیرد (سروش، ۱۳۶۷: ۴۸۷)

۳. اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب، با مبنا قرار دادن نظریه نوگرائی دینی، پس از رخداد دوم خرداد، با انقلاب و جنبش نام‌نماین این جریان، حرکتی برکنی گذاری کردند تا با تصرف کامل صحنه سرکست، جامعه را به سوی سکولاریسم سوق دهند. در حالی که دینی‌گاه و نظر جامعهی درباره بسترها، زمینه‌ها و بارکن دوم خرداد وجود نداشت، آنها می‌کوشیدند دوم خرداد را به نوگرایان دینی منتسب کنند و آن را انقلابی مسالمت‌آمیزی بنامند. به نظر این گرایش، رخداد دوم خرداد همه ویژگی‌های یک انقلاب را داشت؛ انتخابی علیه نظام بود و می‌بایست براساس آن در ارکان، اینولوژی‌ها و آرمان‌ها ی نظام تغیری‌رات اساسی به وجود آید. تجدیدنظرطلبان دوم خرداد، اصلاحات را فراتر از چارچوب‌های قانونی معنا می‌کردند. از این‌رو، ویژگی لبرالی، نسی و پلورالی در تمامی مفاهیم مطرح شده، به کار گرفته شد و نوعی ابهام و سردرگمی درباره مفاهیم دوم خرداد ایجاد شد که هر گروه و فردی از آن معنا و هدف ویژه خود را برداشت می‌کرد.

۴. تجدیدنظرطلبان، معنای غربی و سکولار جامعه مدنی را برجسته کردند و اصرار داشتند این جامعه در نظام اسلامی تحقق نمی‌پذیرد. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۳۳۲) آنها با پیروی از سکولارها و نوگرائی دینی که معتقد بودند براساس جامعه مدنی، شهروندان بی‌حد و مرزی می‌توانند در امور برکنی جعل قانون کنند (نک: خاتمی، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷) و بر پایه دموکراسی به تنظیم آن بپردازند، فقط مفهوم غربی و تکثرگرای آن را مدنظر قرار می‌دادند.

۵. قانون‌مداری؛ مفهوم برجسته دوم خرداد، اگرچه بر نهادینه کردن قانون‌مداری، پرهیزی از رفتارهای سلقه‌ای و احکامی اصول فراموش شده قانون اساسی دلالت می‌کرد، ولی اصلاح‌طلبان برخلاف این نگرش اعتقاد داشتند قانون و حقوق لبرال در ایران کنار گذاشت و به قدرت و عملکردهای سرکستی و اجتماعی به عنوان قانون‌نگریست. (بشیری، ۱۳۷۶: ۱۵) آنان پس از ناهم شدن از استحاله نظام، در چارچوب قانون اساسی و با شعار قانون‌مداری، در تغیری قوانین و حتی قانون اساسی با انجام رفتارندوم کوشیدند. استدلال آنها این بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی، با مبرای حقوق بشر جهانی منطبق نیست و در آن رعوها و حقوق ناسازگار، با هم بخش‌بندی شده است. (بشیری‌اشکوری، ۱۳۷۹: ۵)

۶. درباره هدف و مفهوم اصلاحات که به عنوان شعار اصلی تجدیدنظرطلبان انتخاب شد، بای گفت آنها همانند جنبش اصلاح‌طلبی اروپا که هدف اولیه آن اصلاح مذهب و کنار گذاشتن آن در جنبه‌های سرکستی، اقتصادی و اجتماع‌ی بود، (نک: جلایی‌پور، ۱۳۸۱) در پی جنبشی بشرو در داخل جبهه دوم خرداد، برای بیگیری و راه‌اندازی تجدیدنظرطلبی بودند. این اصلاح‌طلبی که با تساهل و تسامح لبرالی هماهنگ بود، در بطن خود، تحقق تعدد قرائت‌های دینی، آزادی تمام‌عیار و تکثر ملاک و معکله‌های ارزشی و اخلاقی را به همراه داشت. (نک: باتامور و دیگران، ۱۳۷۹) در سایه این شعارها، مطبوعات دوم خردادی بدون هیچ محدودیتی، با دور زدن قانون، به احکام اسلامی، فقه، فرهنگ و ارزش‌های مذهبی و انقلابی و مقدسات حمله می‌کردند. اطلاع‌رسانی، کنی صادقانه خواسته‌ها و مطالبات مردمی و نقد سازنده به عنوان اهداف یک جامعه مطبوعاتی سالم، جای خود را به توهین، توطئه، حریه شکر و قدرت‌طلبی داد.

۷. در مجلس ششم، شعار عبور از نظام اسلامی، قانون اساسی، ولایت فقیه به عنوان هدف مطرح و تاکتیک‌های گوناگونی از جمله فشار و چانه‌زنی برای انفعال رهنماهای مقابل به کار گرفته شد. در جریان کنفرانس برلین، برنامه همراه کردن اپوزیسیون خارج از کشور پی‌ریزی شد و ولایت فقیه، مخالف جمهوری، نظر مردم آزادی معرفی شد. به این ترتیب شکاف طبقاتی و اجتماعی گسترش یافت.

افراطی‌گری‌ها و حریج‌شکری‌ها، مردم را به اصلاح‌طلبان بی‌اعتماد کرد. در حالی که مردم در انتظار اشتغال و گرفتن حقوق خود بودند، اصلاح‌طلبان سرگرم مبارزه برای قدرت بودند و به چالش بر سر مفاهیمی چون جامعه مدنی، قانون‌گرایی و اصلاحات می‌پرداختند. غفلت از اقتصاد، معیشت و خواسته‌های ملموس مردم و پرداختن به شعارهایی چون آزادی، مردم‌سالاری و جامعه مدنی که هیچ توافقی بر سر آنها نبود و مباحثی که با مشکلات اصلی و اساسی مردم ارتباط نداشت، به جای توسعه معیشت ملت، اسباب توسعه یافتگی طبقه جدید را فراهم کرد. تقابل دوم خرداد با اصلاحات و تجدیدنظرطلبی، هر چه برای سکولارها جذابیت داشت، بیشتر برای مردم خسته‌کننده شد.

۳. گفتمان عدالت

عدالت، در متون اسلامی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی حکومت و حاکم اسلامی بیان شده است. افزون بر این، عدالت از اساسی‌ترین ارزش‌های متعالی اسلام و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. همچنین، گروهی از صاحب‌نظران، عدالت اجتماعی را بر توسعه اقتصادی و سیاسی مقدم می‌دانند.

گام نهادن به سمت اصول‌گرایی در انتخابات سال ۱۳۸۴، نشان‌دهنده ژرفای دین‌باوری مردم بود. آنان با دیدن برخی آثار نامطلوب برنامه‌های توسعه، متوجه فاصله اهداف آنها با اسلام شدند. از این رو، آرمان دولت اسلامی را در صدر برنامه‌ها و شعارهای خود نشان‌دادند. بنابراین، دولتی که مأمور شد عدالت و معنویت را گسترش دهد، دولت اصولی‌گرا و گفتمانش، گفتمان عدالت و پیشرفت نام گرفت. هرچند به زمان بیشتری برای ارزیابی دقیق عملکرد این دولت نیاز است، ولی فعالیت‌های دولت در عرصه سیاست خارجی، به ویژه مسئله انرژی هسته‌ای، مقابله با فزون‌خواهی قدرت‌های سلطه‌جو و همراهی و همگامی با ملت‌های محروم و مستضعف، نشانه‌های حرکت به سوی شعارهای اصیل انقلاب در آغاز پیروزی است. در عرصه سیاست داخلی نیز دولت، گام‌های استواری در اعمال عدالت و حاکمیت ارزش‌های اسلامی برداشته است، به گونه‌ای که موجب ناامیدی دشمنان و امیدواری مسلمانان در ایران، منطقه و جهان شده است. افزون بر آن، بیش از دولتهای پیشین، از حمایت‌های آشکار و پنهان رهبری انقلاب برخوردار بوده است که خود ویژگی مهمی در کارآمدی دولت به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفتیم، روشن شد:

- انقلاب اسلامی در دوره تثبیت، گام‌های مؤثری در نهادینه ساختن انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی، مقابله با کودتا، آشوب‌های داخلی و محاصره اقتصادی دشمنان خارجی برداشته است.

- در دوره دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۹) با وجود اهداف نخست دشمن مبنی بر فتح سه روزه، سرانجام جمهوری اسلامی ایران توانست مسیر پیش‌روی دشمن در ایران را سد کند و در سال ۱۳۷۰ سازمان ملل، عراق را متجاوز معرفی کرد.

- گفتمان سازندگی، پس از پایان جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت. در این مقطع، ایران توانست کامیابی‌های بسیاری در عرصه زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی به دست آورد، ولی به علت کاربست دانش غربی با ناکامی‌هایی نیز روبه‌رو بود.

- گفتمان اصلاحات که از دل دولت توسعه اقتصادی سرچشمه گرفت، در عرصه فرهنگی موجب رسوخ سکولاریسم در بدنه مدیریتی نظام شد و با وجود برخی موفقیت‌ها فرصت‌های بسیاری را نیز از ایران گرفت.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اسماعیلی، خیرالله؛ دولت موقت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۲. بازرگان، مهدی؛ *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران، انتشارات مؤلف، ۱۳۶۲.
۳. بشیری حسینی؛ «جامعه مدنی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۱۷ و ۱۱۸، خرداد و تیر ۱۳۷۶.
۴. _____؛ *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۵. بهمان، حبیب‌الله؛ «ثبات و تغییر در اندیشه دینی»، *مجله کائن*، ش ۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.
۶. بی‌بی باتامور و دیگران «فرم در گفتمان سیاسی غرب و اسلام»، *کتاب نقد* ش ۱۶، پاییز ۱۳۷۹.
۷. جلالی‌پور، حمیدرضا؛ «قانون اساسی، سه گفتمان ناسازگار»، *مجله آفتاب*، ش ۱۴، فروردین ۱۳۸۱.
۸. حشمت‌زاده، محمدباقر؛ *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۹. خاتمی، سرخ محمد؛ مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲۳.
۱۰. خاتمی، سید محمد؛ سخنرانی به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۶.
۱۱. خلیلی، اکبر؛ *گام به گام با انقلاب*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۲. خواجه سروی، غلامرضا؛ «تعارضات جناح‌های سیاسی دوره اول مجلس شورای اسلامی»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ۱۳۷۴.
۱۳. سروش، عبدالکریم؛ «انقلاب اسلامی، فقه و روشنفکری دینی»، *مجله نامه*، ش ۳۸، بهار خرداد ۱۳۸۲.
۱۴. _____؛ «سخنرانی در دانشگاه وی‌ج‌تی» (پاسخ به سؤالات)، *مجله کائن*، ش ۲۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
۱۵. _____؛ «سقف معیشت بر ستون شریعت»، *مجله کائن*، ش ۲۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۴ «ب».
۱۶. _____؛ *مدار و مدیّت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۶۷.
۱۷. شادلو، عباس؛ *احزاب و جناح‌های سیاسی*، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۹.
۱۸. کدی، نیکی آر؛ *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.
۱۹. کدیور، محسن؛ *سخنرانی در هشتمین نشست سالانه دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تهران*، ۵ شهریور ۱۳۸۰.
۲۰. مجتهد شبستری، محمد؛ «بستر معنوی و عقلایی فقه»، *مجله کائن*، ش ۴۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸.
۲۱. محمدی، منوچهر؛ *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ «اصلاحات؛ مبانی و خاستگاه‌ها» (میزگردی با حضور آیت‌الله مصباح، دکتر منوچهر محمدی، دکتر نعمت‌الله باوند)، *مجله معرفت*، ش ۴۶، مهر ۱۳۸۰.
۲۳. موسوی، روح‌الله (امام خمینی)؛ *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۲۴. یزدی، ابراهیم؛ *آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها*، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۳.
۲۵. یوسفی‌اشکوری، حسن؛ *روزنامه عصر آزادگان*، ۱۳۷۹/۱/۱۵.

Islamic Republic of Iran in Five Discourses

Muhammad Javad Norozi⁸

ABSTRACT

The present article aims at analyzing the evolutions after the Islamic republic. To do so, these events have been classified into five distinctive periods: (1) establishment of the IRI regime; (2) the holy defense period; (3) the construction period; (4) the political development period; (5) the revival of justice and Islamic values. We have briefly studied the important evolutions of Iran in the first decade; then we have reviewed and evaluated the evolutions during the period of economic reformations and developments. Finally, the conclusions have been presented.

8 . Faculty Member in Imam Khomeini Research and Educational Institute.